

بررسی نقش ارتش ج.ا. ایران در نخستین سال جنگ در مقابله و تثبیت تجاوز ارتش بعث عراق (جبهه جنوب)

امین داوری^۱

مجتبی سلطانی احمدی^{۲*}

محمدعلی کاظم بیگی^۳

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش ارتش ج.ا. ایران در نخستین سال جنگ که هنوز سازمان‌دهی نیروهای مقاومت مردمی - انقلابی ایران (بسیج) محقق نشده بود، اختصاص دارد. اهداف اصلی تحقیق، تحلیل فراز و نشیب‌های سال اول جنگ در جبهه جنوب، آشکار کردن علل ناکامی ارتش عراق در دستیابی به اهداف اعلانی از تهاجم خود و پیامدهای حاصله برای رژیم بعثی عراق و نیز برای نیروهای مسلح و ملت ایران است. مسئله طرح حاضر، قطع نظر از فرایند رویدادهای سیاسی داخلی و خارجی در عرصه مناسبات دوجانبه، به چگونگی تثبیت نیروهای نظامی عراق می‌پردازد. به این منظور، راهبرد و اقدامات تدافعی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمین‌گیری نیروهای عراق مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نیروهای مسلح، به‌ویژه ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌رغم فقدان انسجام لازم، که نتیجه شرایط انقلابی حاکم بر کشور بود، در آغازین سال تجاوز رژیم بعثی عراق به حریم ایران توانست با جلوگیری از ادامه پیشروی غافلگیرانه نیروهای متجاوز، آن‌ها را در اراضی اشغالی زمین‌گیر کند. این مهم به‌نوبه خود راه اخراج متجاوزین را در سال‌های بعد هموار کرد.

واژه‌های کلیدی:

ایران، جنگ تحمیلی، ارتش ج.ا. ایران، ارتش عراق

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: msoltani94@pnu.ac.ir



مقدمه

ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان خط مقدم دفاع از حیثیت و موجودیت کشور همواره از اهمیت بالا و تأثیرگذاری برخوردار بوده است. عملکرد مقتدرانه ارتش در صحنه‌های نبرد به‌عنوان مدافع مستحکم و رکن دفاعی کشور، نقش تأثیرگذاری را در مقابله با تهاجم و تهدیدات بیگانگان و حفظ امنیت کشور داشته است.^۳ در بررسی تاریخ دفاع مقدس، توانمندی دفاعی نیروهای سه‌گانه با هماهنگی ستاد مشترک آن سال‌های ارتش با استفاده از ایمان و اخلاص رزمندگان ارتش، دانش نظامی فرماندهان، تجهیزات دفاعی، پشتیبانی مردمی و همراهی و هم‌افزایی با سایر نیروهای مسلح و شکل عوارض زمین منطقه نبرد مشهود است؛ لذا ضروری است به ارتقای شاخص‌های توانمندساز ارتش و پرهیز از نقاط ضعف آن در سالیان دفاع مقدس (۱۳۵۹-۱۳۶۷ ش) توجه ویژه‌ای مبذول شود.

تهاجم عراق به ایران پیامد تصمیم بغداد برای تحمیل اهداف راهبردی خود بود. این تجاوز از ابتدا با مداخله متغیرهای مستقل متعدد منطقه‌ای، فرماندهی و قدرت‌های بزرگ همراه بود که هر یک اهداف و منافع خود را در این جنگ دنبال می‌کردند. مطالعه اسناد دفاع مقدس نشان می‌دهد که با وجود شرایط پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رخدادهایی از قبیل لغو قراردادهای نظامی ابتدا توسط دولت بختیار و بعد توسط دولت موقت^۴ و همچنین کاهش خدمت سربازی به یک سال در مورخه دهم اسفندماه ۱۳۵۷ توسط شورای انقلاب که منجر به کاهش توان رزم ارتش شده بود. ارتش با استفاده از ظرفیت‌ها و شاخص‌های انحصاری از جمله ایمان، ولایت‌مداری، مردمی بودن و وطن‌دوستی، تخصص و ... توانست در گام نخست نیروهای متجاوز دشمن را به‌خوبی زمین‌گیر کرده و صحنه نبرد را تا حضور و همراهی سایر نیروهای مسلح (یگان‌های غیربومی ارتش، سپاه، بسیج و قوای انتظامی) به‌خوبی مدیریت کند.

اهمیت پژوهش این است که در صورت تحقق اهداف، می‌توان مبانی نظری راهبردی دفاعی کشور را تعمیق کرد و با ارائه در قالب‌های گوناگون عامه‌پسند، نه‌تنها نیروهای مسلح بلکه تمامی آحاد ملت را به بالاترین سطح آمادگی روانی در شرایط مشابه رساند. امروز به نظر می‌رسد با وجود گذشت سال‌ها از دفاع مقدس و خاتمه آن و برافتادن نظام بعثی در عراق، با وجود نگارش کتاب‌ها، مقاله‌ها و تولید فیلم‌های مستند بازهم ابعاد نظامی این رویداد و تحلیل آن به‌عنوان یک تجربه تاریخی قابل‌بررسی و پژوهش توسط متخصصان و پژوهشگران است؛

۳ - به‌عنوان نمونه، ر. ک. به اظهارات فرماندهی کل قوا حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار فرماندهان و مسئولان قرارگاه پدافند هوایی حضرت خاتم‌الانبیاء(ص) آجا در ۱۳۹۶/۰۶/۱۲.

۴ - امیر سرتیپ ۲ داریوش قنبری، به نقل از سایت جنگ آوران (تخصصی نظامی)، خاطرات سپهبد خلبان آذر برزین.

نخستین سال جنگ هشت‌ساله (۱۳۵۹-۱۳۶۷ ش) و ناکامی عراق در سال اول از جهاتی چند حائز اهمیت خاص است؛ این مقطع از زوایای گوناگون قابل‌بررسی، توصیف و تجزیه و تحلیل است. بیشتر کارشناسان امور نظامی واکنش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران علیه تجاوز عراق را به سه دوره عمده توقف، پاک‌سازی و تعقیب متجاوز تقسیم‌بندی کرده و برخی نیز مرحله توقف و تثبیت دشمن را جدای از یکدیگر تحلیل می‌کنند.

هجوم ارتش بعث عراق در شرایطی به کشور ما تحمیل شد که با بحران‌های گوناگون و درگیری‌های مسلحانه با نیروهای ضدانقلاب و تنش‌های سیاسی گروه‌هایی از راست تا چپ افراطی مواجه بود. با توجه به اوضاع کشور و نابسامانی نیروهای مسلح می‌توان از سال اول جنگ به‌عنوان یکی از سال‌های بسیار سخت آن دوران یادکرد؛ زیرا توان رزمی دو کشور ایران و عراق در شرایط نامتوازنی قرار داشت و ارتش عراق در اوج آمادگی نظامی و روانی بود. از این‌رو، تمرکز بر روی نخستین سال حائز اهمیت خاصی است. ضرورت پژوهش حاضر این است که واکنش ارتش ایران به تجاوز نظامی عراق به سبب عدم‌کفایت مطالعات نظامی تاریخ دفاع مقدس در مراکز آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور، چندان شناخته‌شده نیست. یکی از اسباب این ناآگاهی عدم اطلاع عمومی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نظامی است که می‌تواند به کاهش پشتیبانی مردمی از ارتش در هنگام ضرورت منجر گردد و نتیجه آن در نهایت می‌تواند تکرار آزموده‌های تلخ پیشین باشد. از این‌رو هرگونه تلاش در مطالعه آئین‌نامه‌های رزمی، جدول سازمان و تجهیزات، ساختار سازمانی و اقدامات راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی ارتش ج.ا. ایران در دوره دفاع مقدس، از جمله موضوع پژوهش حاضر، از ضروریات و نتیجه آن سرمایه‌ای برای تقویت بنیان دفاعی کشور و نیز آیندگان است.

مبانی نظری پژوهش

مفاهیم و تعاریف

ارتش: ارتش جمهوری اسلامی ایران به مجموعه ستاد مشترک، نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و سازمان‌های وابسته به آن‌ها اطلاق می‌گردد (قانون اساسی ج.ا. ایران مصوب، ۱۳۶۶). در سال ۱۳۹۹ پدافند هوایی به‌عنوان یک نیروی مستقل به مجموعه نیروهای سه‌گانه ارتش اضافه شد. تثبیت: در لغت به معنای عدم تغییر و تحول در وضعیتی خاص است. این واژه در اصطلاح حقوقی به معنای اعمال حاکمیت کشور مهاجم بر سرزمین‌های اشغالی است؛ یعنی کشور مهاجم بتواند در اراضی اشغالی قانون بگذارد، عزل و نصب کند و مطابق قوانین مدنی کشور خود برای مردمان تحت اشغال هویت جدید و حقوق شهروندی تعریف کند.

واژه "تثبیت" در اصطلاح نظامی به معنای سد شدن پیشروی قوای مهاجم و تشکیل مواضع پدافندی منظم خودی در مقابل نیروهای متخاصم است؛ منظور از این واژه در پژوهش حاضر، همین تعریف نظامی است.

"جنگ" نیز متناسب با مقیاس و دامنه جنگ‌ها تعاریف گوناگونی دارد؛ از جمله قاره‌ای، منطقه‌ای، ملی و صحنه جنگ جمهوری عربی سوسیالیستی - بعثی عراق با جمهوری اسلامی ایران سراسر نوار مرزی دو کشور به طول ۱۶۱۰ کیلومتر بود. صحنه جنگ متناسب با شرایط جغرافیایی به چند منطقه عملیاتی تقسیم می‌شود؛ صحنه جنگ عراق با ایران، متناسب با وضعیت جغرافیایی از سه منطقه عملیاتی در شمال غرب، غرب و جنوب تشکیل می‌شد. هر یک از این مناطق نیز خود دارای سه جبهه شمالی، میانی و جنوبی بودند (رستمی، ۱۳۸۵:۷۷).

پیشینه پژوهش

تاکنون در ارتباط با دفاع مقدس مطالعات متعدد اما ناکافی صورت گرفته و آثار مفیدی به زیور طبع آراسته شده است. این آثار به شکلی کلی به مقولات خاطره نگاری، داستان کوتاه و بلند و نیز پژوهش‌های علمی - نظامی همانند کارنامه‌های عملیاتی یگان‌های نظامی و تحلیل‌های کاملاً منطبق با ضوابط نظامی و هنر جنگ و دفاع تقسیم می‌شوند که یکی از اهداف مورد اخیر سنجش جنگ تحمیلی و رویدادهای آن با اصول علوم و فنون نظامی و جنگ است. با وجود این، به نظر می‌رسد که اسباب تثبیت ارتش عراق در داخل سرزمین جمهوری اسلامی ایران (جلوگیری از پیشروی ارتش عراق) در سال نخست جنگ نیازمند کنکاش و بررسی بیشتر است تا این مهم به گونه‌ای بایسته تبیین شود. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با کشف زمینه‌ها، به علل تثبیت و سد شدن پیشروی ارتش عراق در قلمرو اراضی جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر آن است که با اتکا به معیارهای پذیرفته شده نظامی و همچنین روش تحلیلی پژوهش تاریخی، به تبیین دیدگاه موجود و اثبات نظریه‌ای که احتمالاً به واقعیات رخ داده در سال نخست جنگ تحمیلی نزدیک‌تر است، بپردازد.

این پژوهش کاربردی در صدد است با رویکرد توصیفی تحلیلی و به روش اسنادی، کتابخانه‌ای و مصاحبه با تعدادی از فرماندهان عالی‌رتبه جنگ، به این پرسش‌های اصلی پاسخ دهد که:

- ۱- علل زمین‌گیر شدن ارتش عراق در خاک ایران چه بود؟
- ۲- نیروی زمینی ارتش چگونه موفق به تثبیت ارتش متجاوز در اراضی اشغالی گردید؟

فرضیه

به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی عملیات نظامی ارتش عراق و سرعت پیشروی آنان، اجرای پروازهای عملیاتی پرشمار توسط نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال نخست جنگ تحمیلی، یکی از عوامل اصلی سد کننده پیشروی ارتش متجاوز در اعماق خاک ایران بوده باشد؛ نیروی زمینی ارتش نیز با توجه به شرایط موجود و ضمن رفع نواقص سازمانی و ترمیم توان خود، ضمن هم‌افزایی با قوای مردمی و سایر نیروهای مسلح توانست به‌خوبی دشمن را در سراسر خطوط نبرد متوقف کند.

پیشینه اختلافات عراق با ایران

جنگ هشت‌ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران که از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد، ریشه در اختلافات عمیق دو کشور دارد که سابقه آن به دوران حکومت سلسله صفوی در ایران مربوط می‌شود. در آن زمان گرچه کشوری موسوم به عراق وجود سیاسی نداشت، اما در آن دوره تحت حاکمیت و بخشی از قلمرو دولت عثمانی بود. امپراتوری عثمانی در سال ۱۴۵۳ میلادی با فتح قسطنطنیه و سقوط امپراتوری بیزانس (روم شرقی) توسط سلطان محمد دوم تأسیس شد.

از زمان روی کار آمدن صفویان در ایران که با اختلافی یکی دو دهه‌ای نسبت به ظهور عثمانی‌ها در ترکیه کنونی مقارن است، تا اواخر دوره قاجاریه همه یا بخش‌هایی از سرزمین عراق کنونی بارها میان ایران و عثمانی دست‌به‌دست شد (پارسا دوست، ۱۳۷۸: ۱۲ و ۱۳).

کشور عراق پس از پایان جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۱۹ میلادی (۱۲۹۸ هجری شمسی) با فروپاشی امپراتوری عثمانی و نفوذ قدرتهای استعماری آن زمان (انگلیس و فرانسه) تحت قیمومیت بریتانیا تأسیس شد. (Mansfield, British Empire magazine) و در سال ۱۹۳۲ میلادی (۱۳۱۱ شمسی) به استقلال رسید (M.K. Abdullah Sa'aeed, 2006). در سال ۱۹۲۰ میلادی «ملک فیصل» که دست‌نشانده انگلیس‌ها بود به‌عنوان پادشاه عراق معرفی شد. ایران در سال ۱۹۲۹ میلادی، در زمان رضاشاه، عراق را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۳۱ دو کشور به تبادل کاردار پرداختند و در سال ۱۹۳۲ نیز عراق به عضویت جامعه ملل در آمد (Dilip Hiro, 1991, Farshchi, et al, 1390: 27).

در سال ۱۹۵۸ میلادی سرتیپ عبدالکریم قاسم با همکاری سرهنگ عبدالسلام عارف (فرماندهان تیپ‌های ارتش عراق) علیه ملک فیصل دوم اقدام به کودتا کردند. این اقدام منجر به پایان نظام پادشاهی و اعلام حکومت جمهوری گردید. پس از کودتا ملک فیصل دوم و نوری سعید (نخست‌وزیر) اعدام شدند. (Charles, 2007). ۵ سال بعد، در سال ۱۹۶۳ میلادی، بعثی‌ها که پیش‌ازاین با کودتا قدرت را در سوریه به دست گرفته بودند، در عراق نیز کودتا کردند،

«عبدالکریم قاسم» را تیرباران و «عبدالسلام عارف» را با نخست‌وزیری «حسن البکر» به روی کار آوردند (پارسا دوست. ۱۳۷۸ : ۱۳۶). در طول این مدت کشمکش و اختلافات مرزی میان ایران و عراق وجود داشت که بخش عمده این اختلاف بر سر حاکمیت مطلق اروندرود بود تا آن که در سال ۱۹۷۱ یعنی سه سال پس از ریاست‌جمهوری حسن البکر در عراق، روابط عراق با ایران بیش از گذشته تیره شد. علت آن هم حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه تنب کوچک، بزرگ و ابوموسی در خلیج فارس بود، درحالی‌که کشور عراق اعراب را صاحب و مالک این سه جزیره می‌دانست (طلوعی. ۱۳۷۰ : ۱۷۶). به دنبال اختلافات دو کشور ایران و عراق، ارتش عراق در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۲ به مهران حمله و چند ارتفاع آن منطقه را اشغال کرد، اما با مقابله سنگین ارتش ایران مواجه و دچار شکست گردید. بدین ترتیب، دامنه بحران مرزی در مسیر اروندرود تا سال ۱۳۵۳ ادامه یافت و منجر به قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ شد.

پیروزی انقلاب و موقعیت ارتش ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و از آنجا که ارتش یکی از ارکان مهم حاکمیت گذشته بود، دچار تحولات گوناگون شد که خواسته یا ناخواسته با اهداف دشمنان کشور و انقلاب منطبق بود و ادامه آن می‌توانست منجر به نابودی و انحلال ارتش شود، اما آینده‌نگری حضرت امام (ره)، مانع از این رخداد شد. هنوز بیش از یک ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که با شروع شورش‌های مسلحانه نیروهای ضدانقلاب، ارتش وادار به واکنش شده و لشکرهای ۲۸ و ۶۴ پیاده، تیپ‌های ۳۰ پیاده و ۲۳ نیروهای ویژه به‌طور کامل و بیش از دوسوم لشکر ۱۶ زرهی و یک‌سوم لشکر ۸۱ زرهی به‌اضافه شش گردان پیاده و تعداد دیگری از یگان‌ها و... با آتشبارهای توپخانه عازم مأموریت آرام‌سازی مناطق بحران‌زده شدند و این در حالی بود که ارتش در درون خود با مشکلات فراوانی مواجه بود. فتنه‌های داخلی در استان‌های غربی کشور که از آن سوی مرز طرح‌ریزی و هدایت می‌شد، خوزستان را نیز در بر می‌گرفت. مکاتبات بین ستاد مشترک ارتش و ستاد نیروی دریایی حاکی است که آن نیرو به‌رغم ماهیت ذاتی خود در تأمین امنیت سواحل و آن هم از طریق دریا و عدم مسئولیت سرزمینی، ضمن به‌کارگیری بخشی از گردان تکاور خود در ترکمن صحرا و درگیری‌های کردستان، نیرویی از تکاوران را نیز برای تأمین امنیت خرمشهر و آبادان اعزام کرده بود (دیلیپ. ۱۳۹۰ : ۲۶ الی ۲۹).

فراهم شدن زمینه‌های تهاجم عراق

از هم‌پاشیدگی نظم ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای صدام حسین رئیس‌جمهور رژیم بعثی عراق فرصت خوبی فراهم ساخت که پذیرش تحقیق‌آمیز قرارداد ۱۹۷۵ را که خود امضا کرده بود، جبران کند، به‌ویژه آن که از گسترش انقلاب اسلامی به عراق و سایر کشورهای عربی

نیز بیم داشت. نیروهای متجاوز عراق از اوایل سال ۱۳۵۸ تنها باگذشت دو ماه از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تحریکات و تجاوزات مرزی در غرب و جنوب را آغاز کردند. شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که عراق با پشتیبانی دوستان عرب خود از جمله اردن، کویت، عربستان سعودی و با تشویق مخفیانه آمریکا در حال آماده شدن برای عملیات نظامی در داخل ایران بود (گروه مترجمان، جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان ۱۳۸۷: ۱۵۷).

پیش‌بینی ارتش ایران و طرح عملیاتی ابودر

در تاریخ بیست و هفتم آبان ۱۳۵۸ اداره سوم ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، دستورالعملی مبنی بر دفاع از غرب کشور در برابر تجاوزات احتمالی دشمن به سه نیرو (زمینی، هوایی و دریایی) نوشت. این طرح در هر نیرو نام جداگانه‌ای داشت:

۱- طرح البرز در نیروی هوایی (عملیات کمان ۹۹ که در جای خود توضیح داده می‌شود، بر اساس همین طرح اجرا شد).

۲- طرح ذوالفقار در نیروی دریایی، در اسناد نیروی دریایی در مورد این طرح نکاتی به‌طور مشروح وجود دارد که سه نکته آن نقل می‌شود:

الف- «طرح ذوالفقار که با توجه به مقدرات نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و به‌منظور مقابله با تهدیدات موجود در خلیج فارس تهیه شده بود، در کمیسیونی که در مورخ ۱۳۵۹/۶/۸ با حضور نمایندگان سماجا ۳ و نیروهای سه‌گانه ارتش مورد بررسی و مورد تأیید نمایندگان نیروهای مسلح قرار گرفت. طرح مذکور جهت بررسی و تصویب نهایی طی نامه شماره ۶۰۲/۰۴/۱۹ ط ۳- ۱۳۵۹/۶/۱۱ به سماجا ۳ ارسال گردید.^۵

ب- طرح جدیدی با نام ذوالفقار به‌منظور گشت و پدافند از خطوط مواصلات دریایی خودی و مسدود نمودن راه‌های مواصلات دریایی دشمن و ضربه زدن به منافع او تهیه و به یگان‌های ذی ربط نداجا ارسال شد. این طرح در خردادماه ۱۳۵۹ جایگزین طرح شاهین گردید.

ج- در شهریورماه ۱۳۵۹ نیروی رزمی ۴۲۱ طی پیامی به ستاد نداجا و مناطق یکم و سوم دریایی پایگاه دریایی خارک اعلام کرد که مطابق طرح ذوالفقار، ستاد نیروی رزمی ۴۲۱ در اتاق جنگ پایگاه دریایی بوشهر فعال شد. لازم است کلیه گزارش‌ها به ستاد مذکور ارسال شود.^۶

قطعی شدن حمله عراق

در روز ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۵۹ وقتی صدام حسین قرارداد الجزایر را لغو شده اعلام کرد، برای حمله سراسری به ایران هیچ شک و شبهه‌ای باقی نگذاشت. کمتر از یک هفته پس از

^۵ - سند شماره ۵۹۰۶۱۱۰۱۵ مرکز اسناد دفاع مقدس نداجا

^۶ - همان

اعلام لغو یک‌جانبه قرارداد الجزایر، عراق حمله خود را به خاک ایران آغاز کرد و موفق شد در هفته‌های اول در جبهه‌ای به عرض ۵۵۰ کیلومتر و تا عمق ۱۰۰ کیلومتری پیشروی نموده و بیش از ۱۱ هزار کیلومترمربع از خاک ایران را به اشغال درآورد (دیلیپ، ۱۳۹۰: ۴۲).

تهاجم سراسری ارتش عراق در ساعت ۱۲:۳۰ روز ۳۱ شهریور آغاز شد. در این ساعت ابتدا فرودگاه شهرهای اهواز، تهران، سنندج، تبریز و پایگاه هوایی همدان مورد بمباران هوایی قرار گرفت. در این تهاجم هوایی ارتش عراق، شهرهای بوشهر، کرمانشاه و اسلام‌آباد نیز مورد حمله هوایی قرار گرفتند. در اثر حمله گسترده زمینی ارتش عراق، شهرهای سرپل ذهاب، قصر شیرین، سومار، مهران، موسیان، بستان و هویزه در روزهای آغاز جنگ به اشغال ارتش عراق در آمد و مدافعان این شهرها به‌ناچار از آن مناطق عقب‌نشینی کردند. نیروهای عراقی در حالی به پیشروی‌های خود ادامه می‌دادند که در مرزهای جنوب و غرب کشور غیر از دو لشکر ۹۲ زرهی اهواز و لشکر ۸۱ کرمانشاه (با دو تیپ) یگان عمده دیگری وجود نداشت. با همین دو لشکر و دو گروه رزمی دیگر (از تیپ زرهی ۳۷ شیراز و لشکر ۲۱ حمزه، آن هم با توان رزمی کمتر از ۵۰ درصد) و همراهی نیروهای مردمی، نیروهای عراقی نتوانستند به اهداف از پیش تعیین‌شده خود برسند (حسینیا، ۱۳۹۸: ۱۸۴).

کمان ۹۹، اولین عملیات بزرگ ارتش

پس از هجوم هواپیماهای ارتش عراق به نقاط مختلف ایران، سرتیپ فلاحتی از فرمانده نیروی هوایی درخواست واکنش متقابل کرد. سرهنگ خلبان «جواد فکوری» فرمانده وقت نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، با اعلام وضعیت اضطراری کلیه فرماندهان پایگاه‌ها را برای شرکت در جلسه‌ای دعوت کرد و به آنان گفت باید جواب قاطع و سریعی به این حملات داده شود. پس از آن جلسه، پایگاه سوم شکاری همدان و پایگاه ششم شکاری بوشهر موظف شدند در کمتر از دو ساعت پس از حمله عراق دو پایگاه هوایی عراق را بمباران کنند. در ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه بعدازظهر روز ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ چهار فروند هواپیما از پایگاه بوشهر پس از عبور از اروندرود، وارد خاک عراق شدند و مسیر پایگاه «شعیبیه» در استان بصره را پیش گرفتند. خلبانان پایگاه مزبور را - بدون آنکه گلوله‌ای به سوی فانتوم‌ها شلیک شود - بمباران کردند. این عملیات نشانگر سرعت عمل خلبانان ایرانی و غافلگیر شدن پدافند هوایی عراق بود.

اما عملیات بزرگ نیروی هوایی به نام کمان ۹۹، حمله ۱۴۰ فروندی جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش در روز اول مهر به خاک عراق بود که ضمن نشان دادن قدرت تهاجمی قوای اسلام، با انهدام تأسیسات حیاتی و مراکز پشتیبانی عملیات نظامی، سازمان رزمی ارتش عراق را با چالش جدی مواجه کرده و توان آفندی دشمن را به نحو چشمگیری کاهش دادند.

عملیات تدافعی ایران

اندکی پس از هجوم ارتش عراق به ایران نیروی زمینی ارتش ابتدا اولین قرارگاه تاکتیکی خود را در روز ۷ مهر در ستاد نزاجا در تهران برقرار نمود و سپس در منطقه خوزستان، در تاریخ ۱۳ مهر قرارگاه مقدم نیروی زمینی را تشکیل داد. مکان این ستاد که با عنوان قرارگاه مقدم نیروی زمینی شروع به کار کرد، شهر دزفول بود. سرتیپ فلاحی با شروع جنگ در دزفول و اهواز حضور داشت و پس از آغاز فعالیت قرارگاه مذکور در اهواز مستقر شد. (حسینیا . ۱۳۹۸ : ۱۶۰) وی برای سهولت در سازمان‌دهی نیروها و اقدامات کنترلی و تاکتیکی در مناطق عملیاتی، شناخت دقیق‌تر و جزئی‌تر منطقه و تعیین حدود مناطق واگذاری به واحدهای نظامی خوزستان را به سه منطقه عملیاتی تقسیم کرد:

- ۱- جبهه شمال خوزستان: منطقه عملیاتی دزفول - شوش؛
 - ۲- جبهه میانی: دشت آزادگان (از ارتفاعات میشداغ در شمال کرخه تا کرانه جنوبی رودخانه کرخه کور، شامل شهرهای بستان، سوسنگرد، هویزه و حمیدیه)
 - ۳- جبهه جنوب: منطقه عملیاتی خرمشهر و آبادان.
- سرلشکر ولی‌الله فلاحی رئیس وقت ستاد ارتش، استراتژی جنگ را پس از تهاجم وسیع ارتش عراق چنین بیان می‌دارد: مرحله اول: یک خصوصیت مثبت ارتش ما، حفظ خونسردی و خویشتن‌داری ارتش بود. ما دو یا سه روز بعد از آغاز عملیات، یک سری عملیات هوایی را علیه عراق اقدام کردیم. در عملیات زمینی سعی کردیم از شدت تعرض عراق بکاهیم و موفق شدیم که در یک سری از عوارض زمین که مطلوب نظر ماست، دشمن را متوقف کنیم. ارتش عراق از نظر آموزش، تاکتیک، تجهیزات و لجستیک پنج برابر ما بود. این نسبت یک‌به‌پنج را با فداکاری و ابتکار و پشتیبانی ملت ایران و مقداری تأمین جنگ‌افزارها جبران و موفق شدیم ارتش عراق را در یک خط متوقف بکنیم.

مرحله دوم: بایستی به یک برتری نسبی رزمی برسیم و مرحله سوم: تعرض؛ البته تعرض آن‌طور که ما می‌خواستیم و مردم انتظار داشتند، ممکن نبود. علت عدم توفیق ما، ضعف نبود، بلکه تغییر در نحوه اجرای این مرحله بود. به این نتیجه رسیدیم که عملیات را جبهه‌ای هدایت کنیم.

از آنجایی که محدودیت و نارسایی در زمینه جنگ‌افزارها و وسایل به‌خصوص قطعات یدکی داشتیم، این مرحله سوم را از صورت یک تعرض متقابل عمومی، تبدیل کردیم به تعرضات موضعی، موقعی، مکانی و کوچک. به نحوی این عملیات هدایت شد که مطمئن باشیم هدفی را

که تصرف می‌کنیم قادر به نگهداری‌اش باشیم، در این مرحله عملیات‌های موفق‌تری داشتیم (حسینیا، ۱۳۹۴: ۲۸۴).

عبور عراقی‌ها از کارون

نیروهای عراقی تصمیم گرفتند از رود کارون عبور کنند. آنان که در منطقه آب تیمور نیز در اثر مقاومت فداکارانه مدافعان کاملاً ناامید شدند، تصمیم گرفتند برای محاصره مدافعان در منطقه آبادان و خرمشهر، از رود کارون عبور کنند تا ضمن تسلط به جاده اهواز - آبادان از طریق کوت عبدالله وارد اهواز شوند. با آنکه عبور یگان پیاده مکانیزه از رودخانه، آن هم رودخانه غیرقابل‌عبوری مثل کارون، کاری دشوار و خطرناک است، اما فرماندهان دشمن، به‌خوبی دریافته‌اند که با وجود سازوبرگ مجهز و نیروهای کامل و پشتیبانی همه‌جانبه قادر به نفوذ و عبور از مواضع مدافعان ایرانی نیستند، بنابراین عبور از کارون را آسان‌تر از عبور از خط پدافندی مدافعان می‌دانستند. از سوی دیگر نیروهای عراقی، سازمانی در حد یک لشکر در خرمشهر، نتوانستند حریف مدافعان این شهر بشوند و رؤیای تصرف یک‌روزه خرمشهر آنان به ناکامی و سراب تبدیل شده بود؛ بنابراین یک علت دیگر برای عبور از کارون محاصره کامل و سپس تصرف خرمشهر بود. سرانجام، در شب ۱۹ مهرماه ۵۹ یگان مقدم هجومی دشمن، به ساحل شرقی کارون رسید و یگان مهندسی لشکر ۳، دو پل نظامی پی‌ام‌پی در محدوده روستای حفار غربی - شرقی و مارد روی رودخانه مستقر نمود و در صبحگاه روز نوزدهم آماده تصرف و تأمین سرپلی در شرق کارون شد. هنگام عبور نیروی دشمن از کارون، نیروهای کمی در شرق کارون حضور داشتند، زیرا تمام مقدمات موجود در آن شرایط صرف حفظ و نگهداری خرمشهر گردیده و به دلیل کمبود نیرو توجهی به عبور از رودخانه توسط دشمن نشد.

سرتیپ دوم غلامرضا قاسمی‌نو فرمانده لشکر ۹۲ در ابتدای جنگ تحمیلی در مورد عبور دشمن از کارون می‌گوید: «ما از تصمیم عراق مبنی بر نصب پل بر روی رودخانه کارون در منطقه مارد اطلاع داشتیم. بعد از اقدام عراق برای زدن پل، سرلشکر رحیم صفوی، به لشکر ۹۲ آمد و به من گفت: عراقی‌ها بر روی کارون مشغول نصب پل هستند، چه کار کنیم؟ گفتم تو چند نفر نیرو داری من که کسی را ندارم، (در تمام خطوط با کمبود نیرو مواجه بودم و بسیاری از مناطق حتی بدون نیروی دفاعی بود). وی گفت من هم چیزی ندارم. شش لشکر عراقی به منطقه لشکر ۹۲ حمله کرده بود و ما آن‌قدر با کمبود نیرو مواجه بودیم که عملاً نیرویی برای مقابله نیروهای عراقی در منطقه پل مارد نداشتیم.» (قاسمی، غلامرضا ۱۳۹۱).

استقرار لشکر ۲۱ و عملیات ۲۳ مهر

پس از توقف نیروهای عراقی در غرب کرخه، از آنجاکه از کمبود نیروهای ایرانی در شرق کرخه آگاه بودند و این که تسلط بر خاک خوزستان از اهداف آنان به شمار می‌رفت، همواره در صدد فرصتی مناسب بودند تا پیشروی خود را ادامه بدهند. از این رو با دستور سرتیپ فلاخی، لشکر ۲۱ و یک تیپ از لشکر ۱۶ در منطقه عملیاتی دزفول تا شوش مستقر شدند. نیروی زمینی ارتش قصد داشت پس از استقرار دو لشکر ۲۱ و ۱۶، عملیات خود را بر ضد نیروهای عراقی آغاز کند؛ اما چون در اواخر مهرماه، وسایل و تجهیزات لشکر ۱۶ در راه بود، قرار شد اولین حمله را لشکر ۲۱ در دزفول اجرا کند. «اولین عملیات گسترده در ۵۹/۷/۲۳ در محور دزفول جهت تصرف تپه‌های ابو صلیبی خات، سپتون و شاوریه به اجرا درآمد. در ساعت ۷:۰۰ روز ۵۹/۷/۲۳ تک آغاز گردید. اما این اقدام نتیجه مطلوب را در پی نداشت.^۷ پیشروی تانک و پیاده از نظر سرعت هماهنگ نبود. سمت چپ یا جناح جنوبی تک محل استقرار دشمن به صورت هندلی شکل بود. بیشتر تانک‌ها از پهلو چپ مورد اصابت موشک‌های ضدتانک قرار گرفتند و منهدم شدند. علت این غفلت، شتاب در اجرای مأموریت و عدم شناسایی دقیق از منطقه عملیات بود. تانک‌ها روی جاده آسفالت به صورت بندی ستون حرکت کردند. از عارضه زمینی استفاده نکردند. یگان‌های پیاده، مواضع ضدتانک و جنگ‌افزارهای ضدتانک را نتوانستند از بین ببرند. از تانک، حمایت و حفاظت به عمل نیامد؛ در نتیجه عملیات با دادن تلفات سنگین متوقف شد.» (سلیمان‌جاه، ۱۳۹۴).

نگاهی به چند عملیات محدود در شش‌ماهه ابتدایی جنگ

عراقی‌ها تلاش فراوانی داشتند تا نیروهای خود را در اطراف آبادان تقویت و محاصره این شهر را کامل کنند. به‌منظور دفع فشار عراقی‌ها و بیرون راندن آنان از شمال آبادان یک تک محدود توسط گردان ۱۴۴ پیاده به فرماندهی سرگرد شاهین راد از لشکر ۲۱، با همکاری یک گروهان ژاندارمری در سوم آبان ۱۳۵۹ اجرا شد. این تک با وجود ایثار و مجاهدت رزمندگان، موفقیتی

^۷ - بنا بر اطلاعات موجود ریشه این عدم موفقیت در عوامل زیر بود: فقدان شناخت کافی از دشمن و شتاب برای انجام عملیات (به گونه‌ای که یگان‌های برآورد شده جهت عملیات پای کار نیامده بودند)، ضعف در برآورد، طراحی نامناسب عملیات و نداشتن شناسایی کافی از زمین و دشمن، عدم اطلاع کافی ستاد لشکر از یگان‌ها (گردان‌های پیاده هیچ‌گونه آموزش در مورد همکاری با یگان زرهی را ندیده بودند و هم‌پا با گردان زرهی نبودند). گردان‌های تانک بدون حمایت پیاده‌نظام پیشروی کردند و از جناحین توسط سلاح‌های ضد تانک شکار شدند. یگان تانک باید با گردان پیاده مکاتبه عمل کند. عدم آشنایی فرماندهان و حتی رانندگان تانک به منطقه به‌گونه‌ای که رانندگان تانک به جای جسر نادری به منطقه شوش رفته بودند.

کسب نکرد و اهداف از پیش تعیین شده محقق نگردید. شرح این عملیات را امیر سرتیپ بازنشسته فرض‌الله شاهین راد در کتاب «گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان» نوشته است. در اینجا فقط نتیجه عملیات سوم آبان‌ماه از قول وی آورده می‌شود:

«عدم موفقیت نیروهای رزمنده در شمال آبادان و گردان ۱۴۴ در محور ماهشهر - آبادان گرچه از بُعد نظری و تلفات وارده اثرات منفی داشت، لیکن از لحاظ تاکتیکی سبب گردید که هدف قرارگاه اروند تأمین گردد و دشمن به مدت ۴۸ ساعت هیچ‌گونه پیشروی در تحکیم محاصره آبادان نکند. پس از آن عراقی‌ها با ساخت مواضع پدافندی و سنگر، گام‌به‌گام پیشروی نمودند، به‌طوری‌که در شب نهم آبان‌ماه تا کوی ذوالفقاری پیش رفته و با برقراری پل شناور اقدام به عبور نیروهای رده اول هجومی به شهر آبادان نمودند» (شاهین راد ۱۳۷۸: ۱۲۶).

عملیات ذوالفقاری و حفظ آبادان

با سقوط خرمشهر حفظ آبادان موردتوجه قرار گرفت، عبور از پل خرمشهر به‌طرف آبادان و یا تک در محور ماهشهر آبادان و عبور از بهمنشیر برای دشمن که قبلاً در این مناطق، موفقیت‌هایی داشت، از جمله اهداف بعدی فرماندهان ارتش عراق به شمار می‌آمد. از این‌رو نیروهای ایران در مقابل خط سر پل در شرق کارون و در جزیره آبادان آرایش دفاعی گرفتند. گردان ۱۵۳ به همراه تعدادی از نیروهای انتظامی با همراهی نیروهای داوطلب مردمی و پشتیبانی آتش آتشبار ۱۰۵ م از گردان ۳۶۸ توپخانه در ساعت ۸:۳۰ روز ۹ آبان‌ماه از محور خرمشهر - آبادان به‌طرف پاسگاه خسروآباد حرکت نموده، در حوالی قبرستان آبادان با نیروهای هجومی دشمن وارد نبرد شدند. این درگیری که گاهی به‌صورت رزم تن‌به‌تن بود تا روز دهم آبان ادامه یافت، اما با درگیری‌های پراکنده روزهای بعد تا روز هیجدهم آبان به طول انجامید. اجرای موفقیت‌آمیز تک متقابل رزمندگان گردان ۱۵۳ پیاده تیپ ۲ لشکر ۷۷ به همراه نیروهای انتظامی و مردمی موجود در بهمنشیر که تحت نظر فرماندهی اروند صورت گرفت، امید محاصره کامل و تصرف آبادان را از ذهن سرداران قادسیه به ناامیدی منجر ساخت. به همین دلیل صدام حسین در ۶ آذرماه ۵۹ در عمان، هنگامی که در یک کنفرانس مطبوعاتی مواجه با سؤال خبرنگاری شد که از او پرسید: «چرا با وجود برتری نیروهای عراق، جزیره آبادان را اشغال نمی‌کنید؟» گفت: «ما نمی‌خواهیم کشورگشایی بکنیم، ما فقط می‌خواستیم تهدید ایران را از شهرهای خود دور سازیم» (جوادی‌پور. محمد ۱۳۹۲: ۱۷۸).

عملیات پدافندی نهم آبان

پدافند هم جزو وظایف نیروهای مدافع است و اهمیت آن گاهی از آفند یا حمله بیشتر می‌شود. یکی از عملیات پدافندی که تأثیر بسزایی در تثبیت و توقف نیروهای عراقی در غرب کرخه در

منطقه عملیاتی دزفول داشت، عملیات روز نهم آبان ۱۳۵۹ بود که توسط تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه نیروی زمینی ارتش اجرا شد.

«منطقه ما بسیار محدود بود. عرض منطقه به سه کیلومتر نمی‌رسید، چون فقط دو گردان از تیپ ما در منطقه حضور داشت. در نتیجه آتش در منطقه محدودی ریخته می‌شد. هنوز هوا روشن نشده بود که خودم را به دیدگاه رساندم تا منطقه و سمت حرکت دشمن را ببینم و استعداد دشمن را برآورد کنم. به دیدگاه که رسیدم هوا روشن شده بود. حرکت آن‌ها را کاملاً می‌دیدم. با توپخانه تماس گرفتم و موقعیت دقیق دشمن را اعلام کردم. البته دیده‌بان‌های ما به خوبی کار می‌کردند. توپخانه سد آتشی اجرا کرد و دشمن زمین‌گیر شد. به دنبال آن، آتش دقیق روی آن‌ها ریخته شد و نیروی متجاوز با تلفات سنگین ناچار به عقب‌نشینی شد. ساعت ۷ بعدازظهر بود و هوا کاملاً تاریک شد. آنجا بود که به فرماندهان گفتم دیگر نگران نباشید. آن‌ها جرئت حمله شبانه را ندارند و بروید تجدید سازمان کنید. آمارهای دقیق بیاورید و احتیاجات بچه‌ها را تأمین کنید» (سلیمان‌جاء، ۱۳۸۹).

آزادسازی سوسنگرد

نیروهای عراقی پس از شکست در پیشروی از منطقه اهواز، توجه خود را به نفوذ از دشت آزادگان متمرکز ساختند و روز ۲۳ آبان از دو محور جداگانه خود را به دهلاویه و ابوحمیزه رساندند. یگان‌های دشمن در روز ۲۴ آبان به دروازه‌های شهر سوسنگرد رسیده بودند. سرگرد فرتاش (سرهنگ بازنشسته کنونی) فرمانده نیروهای نظامی سوسنگرد بود. مدافعان از جنبه مهمات و تجهیزات به شدت در محدودیت بودند. مجروحان و شهدای شهر زیاد بود و چون کارکنان بهداری شهر را ترک کرده بودند، امکان تخلیه آنان وجود نداشت. اقدامات تاکتیکی و دفاعی نیروهای ایرانی در برابر ارتش تقویت شده دشمن نتوانست مانع پیشروی نیروهای عراقی شود، تا آنکه سرانجام در بعدازظهر ۲۵ آبان نیروهای دشمن وارد سوسنگرد شدند و درگیری در خانه‌ها و کوچه‌های سوسنگرد آغاز شد. در صبح روز بیست و ششم آبان با ورود تیپ دوم لشکر ۹۲ به سوسنگرد نیروهای عراقی عقب رانده شدند و به سمت ارتفاعات الله‌اکبر و دهلاویه عقب‌نشینی کردند. در صبح روز بیست و ششم آبان ماه تیمسار فلاحی به وقت روشنایی هوا و آغاز عملیات به فرارگاه فرماندهی لشکر در نزدیکی سوسنگرد آمد تا چگونگی عملیات را کنترل و در صورت لزوم راهنمایی کند. پس از آغاز عملیات، گروه جنگ‌های نامنظم دکتر چمران که مسئولیت محافظت از منطقه عقب تیپ دوم لشکر ۹۲ اهواز را به عهده داشت، در روستای ابوحمیزه، واقع در ۵ کیلومتری جاده سوسنگرد، موفق شد چند دستگاه تانک عراقی را منهدم و افراد دشمن را از آنجا دور کند.

تیپ دوم لشکر ۹۲ به همراهی نیروهایی از سپاه و گروه جنگ‌های نامنظم، مأموریت یافتند که سوسنگرد را از محاصره خارج کرده و مانع اشغال کامل این شهر توسط عراقی‌ها بشوند (فولادی، ۱۳۹۹: ۱۶۸ - ۱۷۴).

عملیات نصر

پیشروی نیروهای ایرانی در ساعت ۱۰ صبح ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹ آغاز شد. «گرچه این عملیات به پیروزی کامل منجر نگردید و اغلب تانک‌های لشکر ۱۶ منهدم شد، اما بدون اثر و دستاورد مفید هم نبود. عملیات نصر راه‌کار همه عملیات‌های بعدی را پی‌ریزی کرد، چون نیروهای ما از کرخه عبور کردند. در این عملیات، ۸۰۰ نفر از نیروهای عراق به اسارت درآمدند و یک گردان توپخانه به اسارت گرفتیم. به دشمن اثبات شد که بیش از آن نمی‌تواند پیشروی و گسترش پیدا کند. لشکر ۱۶ در این عملیات شکست نخورد. عملیات آفندی فقط گرفتن زمین نیست. اگر زمین نگرفتیم، دشمن را وادار به دفاع کردیم و اجازه ندادیم گسترش پیدا کند، ضمن آن که سوسنگرد و جاده حمیدیه - سوسنگرد را تأمین کردیم و ابتکار عملیات را از دشمن گرفتیم. علاوه بر آن برای عملیات بزرگ بعدی از قبیل طریق‌القدس و بیت‌المقدس تجربه اندوختیم. پس از این عملیات با جاری کردن آب در منطقه عملیات نصر که با تدبیر سرتیپ فلاحی اجرا شد، منطقه تیپ ۱ آزاد شد و ما توانستیم دو عملیات خیبر و الله‌اکبر را اجرا کنیم و دشمن را از منطقه سوسنگرد عقب برانیم. انهدام نیرو، وادار کردن دشمن به پدافند، گرفتن دور تک و تبلیغات سیاسی و روانی از جمله دستاوردهای ما در این عملیات بود» (جمشیدی، ۱۳۹۴).

شکست ارتش عراق فقط منحصر به منطقه عملیاتی جنوب نبود، بلکه نیروهای دشمن در جبهه‌های غرب و شمال غرب کشور هم مانند خوزستان به اهداف از پیش تعیین‌شده خود نرسیدند.

مراحل تاکتیکی تثبیت و توقف ارتش عراق

بر اساس آنچه گفته شد، به این نتیجه می‌توان رسید راهبرد رژیم بعث که سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران در مدتی کوتاه بود، کاملاً شکست خورد. ارتش عراق در کلیه اهدافش به‌جز اشغال خرمشهر و قصر شیرین و چند شهر مرزی، ناکام ماند که آن شهرها هم در مراحل بعدی عملیات آزاد شدند. از جمله اهداف اشغال یک‌هفته‌ای خوزستان بود، اما تنها برای اشغال خرمشهر با همه توان و نیرو و تجهیزات و پشتیبانی جهانی، در برابر اندک مدافعان، ۳۴ روز متوقف گردید و در طی این مدت فقط بر قسمت غربی خرمشهر تسلط پیدا کرد. از سوی دیگر، نیروها و فرماندهان ارتش ایران با گذشت زمان و استفاده از تجربیات به‌دست‌آمده توانایی و روحیه خود را ارتقاء داده بودند. گفتنی است که افزون بر همبستگی

مردم و نیروهای نظامی و شجاعت و روحیه شهادت‌طلبی رزمندگان، عوامل تاکتیکی نیز وجود داشت که در ناکامی ارتش عراق نقش داشتند. این عوامل بر اساس دکترین نظامی ارتش و کارشناسان نظامی، از جمله شهید سرلشکر فلاحی که مبتکر چنین طرحی بود، جای توجه دارد.

مراحل دفاع از دیدگاه تاکتیکی

معمولاً وقتی کشوری به کشور دیگری حمله می‌کند، نیروهای مسلح کشور مدافع باید چند مرحله را طی کنند:

مرحله اول: متوقف کردن پیشروی دشمن؛

مرحله دوم: تثبیت دشمن (زمین‌گیر کردن دشمن)؛

مرحله سوم: کسب اطلاعات از توان دشمن و انجام عملیات‌های محدود؛

مرحله چهارم: دفع تجاوز و انجام عملیات‌های رزمی برای بیرون کردن دشمن از سرزمین‌های اشغالی (در جنگ تحمیلی از ابتدای سال دوم و عملیات ثامن‌الائمه)؛

مرحله پنجم: تثبیت مرزهای بین‌المللی و تنظیم قرارداد صلح.

البته قبل از همه این مراحل و به عبارتی قبل از شروع جنگ، مرحله بازدارندگی وجود دارد که در مورد ایران به سبب شرایط انقلابی، مرحله بازدارندگی کارساز نبود. عدم باور ملی در سطح مسئولان به تهدید نظامی عراق، فقدان انسجام در سطح مدیران، اختلافات سیاسی از یک سو، از سوی دیگر نابسامانی در نیروهای دفاعی و آسیب‌های وارده به ارتش در اثر انقلاب از دلایل شکست در مرحله بازدارندگی و تجاوز دشمن به شمار می‌رود (حسینیا، ۱۳۹۸: ۱۱۸).

«نیروی زمینی ما توانسته از حدومرز تعادل بگذرد. ما از پشتیبانی ملت تا آن حد برخوردار بوده‌ایم که امروز توانسته‌ایم تعادل قدرت و تعادل نیرو را در زمینه‌های نظامی به دست بیاوریم. در شیوه‌های نظامی آغاز تعرض شرایطی دارد، در حالی که ارتش عراق در حال تعرض است. ما باید ارتش عراق را متوقف کنیم و در مرحله دوم تضعیف و زمین‌گیر سازیم و در مرحله سوم توان رزمی او را تا آن حد کاهش دهیم که قادر به آغاز تعرض و تداوم آن باشیم. در تعرض، هدف انهدام نیروهای دشمن است» (فلاحی، ۱۳۵۹).

ارتش در اولین اقدام خود وظیفه داشت نیروهای دشمن را متوقف و او را از ادامه تحرکات توسعه‌طلبانه بازدارد؛ هرچند که تا رسیدن به این منظور، ارتش عراق بخش‌هایی از سرزمین ایران را به اشغال خود درآورده بود، اما مرحله اول یعنی متوقف کردن دشمن با موفقیت همراه بود (حسینیا، ۱۳۹۴: ۳۸ الی ۴۲).

طرح آب

اقدامات دفاعی ارتش ایران برای توقف پیشروی دشمن دارای ابعاد و اشکال متعدد بود که از جمله آن‌ها می‌توان به ابتکار استفاده از موانع مصنوعی اشاره کرد. برای این منظور طرح آب (آب‌گرفتگی مصنوعی) برای اولین بار در هشتم مهرماه ۱۳۵۹ توسط سرتیپ فلاحی ریاست ستاد مشترک ارتش در مناطقی از خطوط دفاعی مورد توجه و توسط سازمان آب و برق اهواز در جنوب غربی اهواز در منطقه دب حردان مورد بهره‌برداری قرار گرفت. توضیح آن که در برخی از خطوط به سبب عدم استقرار نیرو و یا برای رهایی نیروی خودی با هدف استفاده از آن در سایر خطوط دفاعی این تاکتیک بعدها هم از جمله بعد از عملیات نصر در دی ماه ۱۳۵۹ به کار گرفته شد. با توجه به برتری نیروهای دشمن و کمبود نیروی دفاعی در جبهه ۴۰۰ کیلومتری خوزستان از یک سو، از سوی دیگر امکان عبور دشمن از پای پل کرخه (در شمال شوش) تا آبادان و ماهشهر و اتخاذ مواضع پدافندی نیروهای خودی، اجرای طرح آب در مجموع به نفع نیروهای خودی به شمار می‌آمد، زیرا شرایط مناسبی برای پدافند در مواضع مقدم عملیاتی فراهم می‌گردید. به این ترتیب، عرض جبهه‌ها کمتر و با صرفه‌جویی در قوا، پوشش دفاعی نیز در مواضع و معابر حساس تقویت می‌شد (حسینی، ۱۳۹۲: ۳۹).

افزایش تجربه و توان رزمی و تک‌های محدود

با پایان یافتن سال ۱۳۵۹ نیروهای جمهوری اسلامی ایران آماده شدند تا با فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب عراق را هر چه سریع‌تر از خاک جمهوری اسلامی بیرون کنند. فرآیند کلی آمادگی رزمی مدافعان ایرانی با وجود تحمل تلفات و خسارت شش‌ماهه اول جنگ خیلی بهتر از آغاز جنگ شده و موجب گردیده بود که آنان نه‌تنها برای اجرای مأموریت‌های پدافندی نگرانی نداشته باشند، بلکه عملیات آفندی را نیز ابتدا به‌صورت عملیات محدود و سپس با گذشت زمان، به‌صورت گسترده‌تر طرح‌ریزی و اجرا نمایند. افزایش استعداد سازمانی، کسب تجارب ارزشمند دفاعی، تغییر شرایط تاکتیکی دشمن از آفندی به پدافندی، تثبیت نیروهای عراقی و تغییرات تدریجی و بهبودی در یگان‌ها از جمله تحولات مفید و مؤثر در جبهه نیروهای خودی بود. در اوایل اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۰ از سوی ستاد نیروی زمینی به لشکرها و تیپ‌های مستقل در مناطق عملیاتی خوزستان ابلاغ شد که تک‌های محدود را طرح‌ریزی و به‌طور مداوم اجرا کنند. بر این اساس با توجه به شرایط کلی میدان‌های نبرد به علت تقویت نیروهای ایران و کاهش روحیه افراد ارتش عراق، از اوایل سال ۱۳۶۰ موقعیت جنگ تدریجاً به سود نیروهای ایران تغییر یافت. به این ترتیب، به سبب شرکت چندماهه در جنگ و افزایش تجربیات جنگی و

کسب آمادگی بیشتر، بدون از دست دادن فرصت، از اوایل سال ۱۳۶۰، طرح‌های آفندی محدود و بعد نیمه گسترده تهیه و از سوی نیروهای ارتش به اجرا درآمد. (حسینیا، ۱۳۹۸: ۲۰)

تجربه عملیات مشترک نیروهای ارتش و سپاه آبادان

اولین طرح تک محدود منطقه، در ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۶۰ بر اساس پیشنهاد گردان ۱۴۸ از لشکر ۷۷ خراسان به فرماندهی سرهنگ دوم اصغر اسلوبی با مشارکت عناصری از سپاه پاسداران و سایر نیروهای مردمی در منطقه میدان تیر آبادان اجرا شد. که نتیجه آن موفقیت کامل رزمندگان ایرانی بود. عملیات دارخوین به پیشنهاد فرماندهان سپاه پاسداران و بررسی همه‌جانبه لشکر ۷۷ انجام گرفت. پشتیبانی کامل توپخانه، هوانیروز و همراهی گروه رزمی ۲۱۴ زرهی و یک گروهان از گردان ۱۰۷ ژاندارمری و یگان‌هایی از گردان ۲۹۱ تانک از ویژگی‌های این طرح بود که برای تصویب به قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب ارسال شد.

پس از تصویب طرح، اجرای آن به این‌گونه بود که نیروهای سپاه با عبور از خط، اولین هدف را در سه کیلومتری خط تماس تصرف کردند و پس از انهدام نیروهای دشمن، در مواضع پدافندی قرار گرفتند. گروه رزمی ۲۱۴ با یک حرکت تاکتیکی سریع پس از تصرف اولین هدف توسط نیروهای پاسداران، در آن نقطه مستقر شد و نسبت به تحکیم آن اقدام نمود. گروه تک هوانیروز و یگان مهندسی نیز از این عملیات پشتیبانی می‌کردند. در واقع این تک محدود، اولین عملیات مشترک رزمندگان سپاه و ارتش بود و ستاد لشکر در طرح‌ریزی آن نیز با دقت عمل کرد. (حسینیا، ۱۳۹۸: ۲۵)

اولین سال جنگ، در یک نگاه

پس از عملیات موفق دارخوین تا پایان سال اول جنگ تحمیلی چند تک محدود دیگر نیز به اجرا گذاشته شد تا زمینه برای اجرای اولین عملیات بزرگ (ثامن‌الائمه، شکست حصر آبادان) فراهم شود. بدون تردید هدف از کلیه تک‌های محدود و عملیاتی که اغلب در منطقه خوزستان و به‌خصوص در سوسنگرد و به عبارتی در جبهه‌ی میانی خوزستان در اولین سال جنگ تحمیلی توضیح داده شد، اجرای مرحله اول و دوم عملیات پدافندی یعنی تثبیت و متوقف کردن دشمن و سپس از میان بردن روحیه آفندی و همچنین انهدام و تضعیف نیروهای دشمن بود تا بدین‌وسیله زمینه گام دوم پیروزی یعنی اجرای عملیات بزرگ فراهم شود. به عبارت دیگر، در گام اول افزون بر انهدام تجهیزات و تحمیل تلفات به نیروهای انسانی دشمن و فرسوده ساختن روحیه‌ی تهاجمی آنان، هدف بزرگ‌تر دیگری نیز نهفته بود که آن فراهم ساختن زمینه مناسب و مساعد برای نیروها برای اجرای عملیات‌های بزرگ بود که در ادامه

اهداف راهبردی دفاعی اهمیت ویژه‌ای داشت. بر این مبنای، اولین عملیات بزرگ در پنجم مهرماه ۱۳۶۰ در اوایل دومین سال جنگ به نام ثامن‌الائمه اجرا گردید که در نتیجه آن حصر آبادان شکسته شد.

بر اساس آنچه بیان شد، عملیات آفندی محدود یا گام اول پیروزی به تدریج رزمندگان ایرانی را به هدف اصلی نزدیک‌تر می‌ساخت؛ افزون آن که تک‌های محدود منجر به شناخت دقیق و کاربردی فرماندهان و طراحان جنگ می‌گردید. به‌عنوان نمونه، در اثر همین تک‌های محدود فرماندهان متوجه شدند که استحکامات دشمن با وجود پیچیدگی و عمق قابل نفوذ است. با وجود این و به‌رغم نفوذ به موانع دشمن، بازهم اهداف عملیات محقق نمی‌گردید و پیشروی نیروها متوقف می‌شد، زیرا نیروی پشتیبانی‌کننده کافی در تک‌ها حضور نداشتند. این عملیات‌های محدود سبب پی بردن به ضعف‌های تاکتیکی دشمن و نیز نیروی خودی، عقب راندن و انهدام و خسته و فرسوده کردن نیروهای دشمن و دستاورد نهایی فراهم شدن زمینه‌های مناسب برای گام دوم یعنی اجرای عملیات بزرگ، از دیگر نتایج تک‌های محدود در سال اول به شمار می‌رود.

تجزیه و تحلیل

ارتش بعثی عراق با هدف مهار امواج ناشی از انقلاب اسلامی ایران و به خیال الحاق استان خوزستان به خاک خود به حریم جمهوری اسلامی ایران حمله کرد ولی هرگز به اهداف راهبردی اعلانی خود نرسید؛ زیرا با سد آهنین مقاومت نظامی و مردمی نیروهای مسلح و ملت ایران مواجه شد. در خلال نخستین سال جنگ تحمیلی، عراق چندین مرتبه تلاش کرد با اجرای انواع مانورها و به‌ویژه اجرای آتش پر حجم علیه اهداف طرح‌ریزی‌شده در عملیات نظامی موفق نبود؛ یکی از عوامل این عدم موفقیت اشتباه در برآورد اطلاعاتی یگان‌های دشمن در محور حمیدیه - سوسنگرد - اهواز بود؛ زیرا لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی هرگز احتمال حضور و پدافند مؤثر نیروهای خودی در آن منطقه را نمی‌دادند؛ لذا یک گردان تانک از تیپ ۳۵ لشکر ۹ زرهی به هنگام حرکت از روی جاده حمیدیه - سوسنگرد مورد هدف حدود یک دسته نیروی ضد زره واقع و منهدم شد.

در آبادان اگرچه عراق عملیات عبور از رودخانه کارون و بهمن‌شیر را به‌خوبی اجرا کرد ولی اطلاع‌رسانی به‌موقع یکی از افراد بومی سبب شد که نیروهای خودی بتوانند عکس‌العمل کافی نشان دهند و دشمن را با تلفات و خسارات غیر قابل جبران از منطقه بیرون کنند؛ درباره اراضی

شرق کارون نیز می‌توان گفت اجرای تک‌های محدود سبب فرسایش هرچه بیشتر قوای بعثی گردید و زمینه برای شکست حصر آبادان و آزادسازی اراضی اشغالی آن منطقه فراهم آمد. اگرچه اهداف تاکتیکی چهار عملیات نظامی عمده در سال نخست جنگ به‌طور کامل تأمین نشد و حتی در جاهایی مانند هویزه شهر از دست رفت و به دست قوای دشمن با خاک یکسان شد ولی اجرای همین نبردها توانست دور تک را از عراق سلب نماید و پیشروی ارتش متجاوز در اراضی جمهوری اسلامی ایران سد شود.

نیروی هوایی ارتش تا رسیدن یگان‌های نیروی زمینی و آماده شدن بسترهای لازم برای حضور دیگر مدافعین در جبهه‌های جنگ، بارها کار تیم‌های شکار تانک را در صحنه جنگ از طریق اجرای چندین سورتی پرواز رزمی انجام داد و شهدای گرانقدری را نیز در این راه تقدیم جمهوری اسلامی ایران کرد؛ خلبانان پایگاه چهارم شکاری شهید وحدتی دزفول یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این نبردها به شمار می‌آیند. همچنین این نیرو با پروازهای طرح‌ریزی شده رزمی، شناسایی، مراقبت مسلحانه هوایی، پشتیبانی نزدیک هوایی، برقراری پوشش هوایی برای یگان‌های سطحی در حین اجرای نبردهای دریایی و زمینی و ترابری هوایی ضمن انهدام تأسیسات نظامی دشمن و برقراری امنیت فضای نبرد، ضربات مهلکی بر پیکره ارتش متجاوز عراق وارد آورد.

نیروی دریایی ارتش نیز با به‌کارگیری نیروهای متخصص و فداکار خود در قالب دو گردان تکاور توانست با همراهی سایر مدافعین دشمن را ۳۴ شبانه‌روز پشت دروازه‌های خرمشهر نگاه دارد و زمینه فرسایش قوای دشمن و افزایش تلفات قوای بعثی را فراهم آورد؛ همچنین این نیروی راهبردی توانست در همان ۶۷ روز نخست جنگ تحمیلی نیروی دریایی ارتش عراق را از حضور در آب‌های خلیج فارس محروم نماید و شناورهای آن کشور را در محدوده آب‌های ساحلی خود و کشور کویت محبوس کند.

کند شدن پیشروی ارتش بعثی عراق در اراضی اشغالی، این امکان را برای مسئولین جمهوری اسلامی فراهم کرد تا با جذب، آموزش، سازمان‌دهی نیروهای مردمی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قالب یگان‌های کوچک رزمی با استعداد گردانی و اعزام به مناطق عملیاتی در کنار سایر نیروهای مسلح وقت همانند ارتش جمهوری اسلامی ایران، ژاندارمری و شهربانی، با اجرای عملیات‌های ایذایی محدود علیه قوای متجاوز، ارتش بعثی عراق را در سال دوم جنگ از بسیاری از اراضی اشغالی قلمرو جمهوری اسلامی ایران اخراج نمایند.

نتیجه‌گیری

نیروهای سه‌گانه ارتش با وجود تنگناها و مشکلات در سال نخست جنگ توانستند در برابر حمله نخست دشمن مقاومت کرده و روند حرکت دشمن را به‌مرور کند و متوقف کنند. این در حالی بود که ارتش ایران خود نیز دستخوش تغییرات کمی و کیفی در همه سطوح می‌شد. کارکنان توانمند نیروی زمینی ارتش با بهره‌مندی از ایمان و اعتقاد راسخ، ولایت‌مداری، مردم‌داری و میهن‌دوستی با انگیزش مضاعف ناشی از اعتماد بنیان‌گذار کبیر انقلاب که بارها در بیانات ارزشمند ایشان مطرح شده و با تعیین روز ارتش به‌خوبی نمایان شده بود، به مصاف دشمن تا بن دندان مسلح رفته و در سال نخستین جنگ تحمیلی موفق گشتند که با متوقف کردن یگان‌های ارتش بعث عراق، راهبرد پیروزی سریع دشمن را در هم بشکنند. درحالی‌که یورش‌های با برنامه نیروی هوایی ارتش در نخستین هفته‌های جنگ سرعت حرکت ماشین جنگی عراق را کاهش چشمگیر می‌داد، نیروی دریایی ارتش نیز ضمن مشارکت قهرمانانه تکاوران دریایی در دفع از خرمشهر، موفق شد که در طول مدت ۶۷ روز از آغاز جنگ، در تاریخ هفتم آذر ۱۳۵۹ نیروی دریایی دشمن را نابود کرده و حضور ناوگان عراق در خلیج فارس را پایان بخشد. از سوی دیگر، کند شدن روند پیشروی قوای بعثی و توقف آن‌ها در خاک ایران توسط یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی، ضمن فرسایش قوای نظامی عراق، فرصت لازم برای جذب، آموزش و اعزام نیروهای مردمی و سایر نیروهای مسلح و نیز سازمان‌دهی عملیاتی همه نیروهای رزمنده کشور به جبهه‌ها را فراهم می‌آورد. با نقشی که ارتش جمهوری اسلامی در اولین سال جنگ ایفا کرد و نیز با وحدت الهی همه قوا شکست‌های سنگین دامن‌گیر دشمن شد. درحالی‌که در نخستین سال تجاوز عراق نیروهای مردمی فاقد آموزش، سلاح و مهمات جنگی بودند و نمی‌توانستند نقش جدی در جنگ ایفا کنند، به‌ویژه آن‌که در مقطع مذکور و در نتیجه تحریم تسلیحاتی، امکان ورود سلاح و تجهیزات نظامی به کشور وجود نداشت. ولی با پشتیبانی یگان‌های آمادی و افسران آموزش ارتش، رزمندگان و سایر قوای رزمی توانستند توانمندی حضور در عرصه دفاع را یافته و در کنار رزمندگان ارتش صف واحدی را تشکیل داده و دشمن را ابتدا متوقف کرده و سپس بیرون برانند.

قدردانی

از خبرگان توانمندی که در طول پژوهش، دانش خویش را سخاوتمندانه در اختیار محققان این پژوهش قرار دادند و استواری پژوهش حاضر بر مشارکت و دانش این بزرگواران قرار گرفته است بسیار سپاسگزاریم.

منابع

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۶)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.
- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۷۸)، *ما و عراق از گذشته دور تا امروز*، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، تهران، صفحه ۹۱۲.
- جوادی پور محمد و دیگران (۱۳۹۲)، *ارتش جمهوری اسلامی ایران در کتاب هشت سال دفاع مقدس*، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- حسینی، سید یعقوب (۱۳۹۲)، *سیل مصنوعی برای پدافند در خوزستان*، ایران سبز.
- حسینی، سید یعقوب (۱۳۹۴)، *طرح عملیاتی دفاعی ابودر خرداد تا شهریور ۱۳۵۹*، ایران سبز.
- حسینی، احمد (۱۳۹۴)، *دومین نبرد بزرگ*، تهران: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- حسینی، احمد (۱۳۹۸)، *سرلشکر فلاحی در روزهای سرنوشت‌ساز*، تهران: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- حسینی، احمد (۱۳۹۱)، *ناگفته‌هایی از روزهای اول جنگ*، تهران: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- شاهین راد، فرض‌الله (۱۳۷۸)، *گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان*، انتشارات ایران سبز.
- فولادی، محمدرضا، *گام اول پیروزی*، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- گروه مترجمان، (۱۳۸۷)، *روزنامه مورنینگ استار ۱۳۵۹/۱/۲۳، جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان*، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، مرکز ملی اسناد، نشر شکیب.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۰) *جنگ خلیج فارس و آینده خاورمیانه*، انتشارات تهران.
- نمکی، علیرضا (۱۳۸۹)، *نیروی هوایی در دفاع مقدس*، انتشارات ایران سبز.
- هیرو، دلپ (۱۳۹۰) *طولانی‌ترین جنگ: رویارویی نظامی ایران عراق*، ترجمه ع. ر. فرشچی، ر. فریدزاده و ز. گل محمدی، بوم و بر.
- Charles, T. (2007), *A History of Iraq (3rd ed.)*, Cambridge University Press, NY.